گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر کریم مجتهدی

نخبگان به جای تقلید، غرب را بشناسند

مونا امیرمحمدی / کسری رمضانی: چهره ماندگار فلسفه ایران می‌گوید غرب‌شناسی برخلاف اینکه عده‌ای فکر می‌کنند اشتباه است، خطا نیست؛ اتفاقاً به درد ما می‌خورد و پادزهر غرب‌زدگی است، منتها باید مراقب باشیم غرب‌زده نشویم؛ اینگونه که عده‌ای را در جامعه‌مان در مراکز دانشگاهی و غیردانشگاهی می‌بینیم که علاقه دارند از فرق سر تا نوک پا غربی باشند یعنی ایدئولوژی، تفکر و نحوه زندگی غربیان را می‌پسندند. برخی صاحب‌نظران و فیلسوفان غرب‌زدگی را تقلید از غرب و تسلیم در برابر قدرت‌های تکنیکی، مادی، فرهنگی و علمی تعریف می‌کنند و از جمله لوازم آن را بی‌توجهی به دین برمی‌شمردند. غرب‌زدگی مراتب مختلفی دارد و نمی‌توان خیلی ساده یک نفر را غرب‌زده نامیده و همینطور غرب‌زده‌ها نیز نسل‌های مختلفی در کشور دارند. برخی از آنها از دوران پیش از انقلاب بودند و عده‌ای هم هستند که پس از انقلاب حتی مناصب حکومتی و سمت‌های علمی نیز دارند اما اعتقاد و تمایلشان به غرب است با این حال پیش از اینکه غرب را تعریف کنیم، نمی‌توانیم بگوییم غرب‌زدگی چیست.

به اعتقاد رضا داوری اردکانی، چهره ماندگار فلسفه ایران و رئیس فرهنگستان علوم، غرب یک اصطلاح سیاسی یا جغرافیایی نیست چرا که در این صورت چین، ژاپن و روسیه هم غرب محسوب می‌شوند بلکه غرب نحوه تفکری است که در مغرب جغرافیایی و در غرب عالم قدیم پدید آمده، بنابراین غرب بخشی از زمین و دریا نیست، یک واقعه است که در تفکر و سیر بشر به سوی حق، حجاب حق و حقیقت شده و این حجاب یعنی وجود خود را عین حق و حقیقت انگاشته است. بنابراین در ادبیات و تاریخ وجود دارد که فرعون بودن و خود را حق انگاشتن تازگی ندارد و برای یک دوره نیست؛ همواره خودبینی و خودپرستی وجود داشته است اما این خودبینی و خودپرستی گاهی ترویج پیدا می‌کند و به دیگر مناطق نیز رسوخ می‌کند و دیگر افراد را نیز دربرمی‌گیرد.

بنابراین غرب‌زدگی به تعریف از عالمی تعلق دارد که در آن ساحت خودبینی و خودپرستی است. نشانه‌های این غرب‌زدگی همه جا در این عصر دیده می‌شود و اینگونه است که عده‌ای را در جامعه‌مان در مراکز دانشگاهی و غیردانشگاهی می‌بینیم که علاقه دارند از فرق سر تا نوک پا غربی باشند یعنی ایدئولوژی، تفکر و نحوه زندگی غربیان را می‌پسندند همانگونه که پیش از انقلاب اسلامی ایران عده‌ای در ایران تلاش کردند کاملاً فرنگی شوند و تفکرات و آرای غربیان را دریافت کنند. در حالی که عده‌ای در ایران اسلامی تلاش دارند به خودکفایی برسند و زیر یوغ غرب و شرق نروند، عده‌ای دیگر تلاش دارند خود را به غرب نزدیک کنند.

یکی از دانشگاهیانی که سال‌های تحصیلاتش را در کشور فرانسه گذرانده اما امروز بشدت به هویت و فرهنگ و زبان فارسی حساسیت دارد و دغدغه مهمش نیز از بین نرفتن هویت ایرانی است، دکتر کریم مجتهدی، چهره ماندگار فلسفه ایران و عضو گروه فلسفه غرب پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی است. وی نویسنده آثاری چون «فلسفه نقادی کانت»، «سیدجمال‌الدین اسدآبادی و تفکر جدید»، «آشنایی ایرانیان با فلسفه‌های جدید غرب»، «فلسفه و فرهنگ» و... و یکی از اساتیدی است که هر زمان برای مصاحبه به سراغش می‌رویم بسیار تأکید دارد از قول ایشان کلمه‌ای را به زبان انگلیسی ننویسیم. این در مقابل عده‌ای است که علاقه وافری دارند حتی لغاتشان نیز غربی شود و در صحبت‌هایشان مدام از اصطلاحات و الفاظ انگلیسی استفاده می‌کنند!

■ استادا ابتدای بحثمان مقدمه‌ای از تحصیلات و زندگی خودتان بیان کنید.

من متولد سال ۱۳۰۹ شهر تبریز هستم که پس از مدتی با خانواده به تهران آمدیم. پس از تحصیلات متوسطه در دبیرستان البرز در ۱۷ سالگی به فرانسه رفتم و در رشته فلسفه تحصیل کردم، متأسفانه بنده آن زمان زبان خارجه‌ام خوب نبود به همین دلیل سختی زیادی کشیدم و نزدیک بود که کارم به قبول نشدن در رشته فلسفه هم برسد! ابتدا به دلیل علاقه‌مندی به پیشرفت تکنولوژی و صنعت آنجا رفتم اما هرچه جلوتر رفتم به فلسفه بیشتر علاقه‌مند شدم و تفکر برایم اصل شد و همین‌ها شالوده شخصیتی مرا ساخت، با استادان زیادی در پاریس مواجه شدم از جمله ژان وال، سوریو و ژرژ گیورویچ که کلاس‌های‌شان برایم بسیار جذاب بود اما در نهایت علاقه به فلسفه اسلامی مرا به ایران کشاند. حتی در کلاس‌های درس ما در دروس قرون وسطی، فلسفه ابن‌سینا هم تدریس می‌کردند. در نهایت معتقدم اگر فلسفه غرب را نمی‌فهمیدم نمی‌توانستم فلسفه اسلامی را هم یاد بگیرم و بفهمم.

بنده رشته تخصصی‌ام غرب‌شناسی است، درباره آشنایی با غربیان بنده یک کتابی به نام آشنایی ایرانیان با فلسفه‌های جدید غرب دارم. آنجا تقریبا همین سوال مطرح است که اگر می‌خواهیم با فلسفه‌های جدید غرب آشنا شویم علتش آیا این است که آنها را بشناسیم یا بر ما تأثیر بگذارد؟ بنابراین این کتاب یک نوع غرب‌شناسی بنیادی است چرا که زیربناهای تفکر غربی را جست‌وجو می‌کند. یک کتاب دیگرم درباره سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز یک نوع غرب‌شناسی توأم با اعتراض است. درباره غرب‌زدگی کتاب‌های زیادی در ایران نوشته شده است؛ از جمله کتاب سیدجلال آل‌احمد.

■ استادا شما در غرب تحصیل کردید و به نوعی دوران جوانی‌تان را آنجا گذراندید اما همه این سال‌ها که شما را می‌شناسیم حتی در به کار نبردن کلمات انگلیسی در سخنانتان هم دقت می‌کنید. علت این همه اهمیت به حفظ هویت پارسی و ایرانی چیست و نظرتان درباره کسانی که تلاش دارند خیلی به غرب نزدیک شوند، چیست؟

اینجا شناخت خیلی اهمیت دارد. شما ممکن است مطالعاتی داشته باشید درباره بیماری وبا، خشکسالی، جنگ و... و تلاش کنید این مسائل را از جمله علت این مسائل، موقعیت آنها، سیاست‌ها و تمام تعارضات پدیدارها را بشناسید اما این دلیل نمی‌شود که شما موافق وبا، خشکسالی یا جنگ باشید. همه اینها به شناخت ربط دارد بنابراین من هم در غرب تحصیل کردم اما دلیل نمی‌شود که موافق خیلی مسائل غرب باشم. بنده یک متفکر سقراطی هستم. شناخت این متفکر خیلی مهم است. او معتقد بود جهل، ظلم است. غافل ماندن از واقعیت‌های جهان امروز بزرگ‌ترین ظلم است، ظلم هم همان جهل است و بزرگ‌ترین کار ما باید شناخت درست باشد اما این نکته را خیلی باید مدنظر قرار دهیم که موضع‌گیری ما تنها زمانی می‌تواند درست باشد که براساس شناخت صحیح صورت گیرد، بعد از این شناخت می‌توانیم موضع‌گیری کنیم.

■ متفکران باید درباره غرب کند و کاو و تحقیق کنند نه تقلید!

بنابراین بنده این نکته را تأکید می‌کنم که متفکران ما هم به جای تأکید بر غرب‌گرا بودن باید درباره غرب کند و کاو کنند و وجنات و فرهنگ و زیربنای آن را بشناسند به جای اینکه غرب‌زده باشند، بنده می‌دانم که سیاست‌های کشورهای مختلف از جمله فرانسه، انگلستان و... ظلم، متلک و دروغگویی است. تا اینجا را موافق هستم و معتقدم که نباید غرب‌گرا باشیم، تنها باید غرب را بشناسیم و سپس قضاوت کنیم. اینها خیلی مهم است. تصور کنید تقی‌زاده هم گفته به هر لحاظی باید غربی شویم. این غربی شدن به دلیل عدم شناخت غرب است. آنچه غرب تلاش دارد این است که از ریشه‌هایش دفاع کند، ما هم باید از ریشه‌های خود دفاع کنیم و آن را بشناسیم.

■ آقای دکتر! شما قبلاً هم در صحبت‌هایتان درباره مفهوم غرب‌زدگی صحبت کرده‌اید. اگر بخواهیم یک تعریفی از تجدد غربی و غرب‌زدگی ارائه دهیم، چه چیزی بیان می‌کنید؟

درباره مفهوم غرب‌زدگی باید بگویم - البته قبل‌تر هم گفته‌ام - همان تجدد کاذب یا ظاهرپرستی و سطحی‌اندیشی است، همان که شاید امروز هم در صحبت‌ها و رفتارهای خیلی از اساتید دانشگاهی‌مان ببینیم! نباید عقل را به ظواهر محدود کرد، باید عیوب را هم دید، نه اینکه مدام از خوبی‌های غرب صحبت کنیم و عده‌ای را تشویق به غرب‌گرایی و بی‌توجهی به هویت بومی خود کنیم. امروز باید دردهای خود را به درستی بشناسیم و اگر هم می‌خواهیم غرب را بشناسیم نباید سنت را با هویت غربی یکی کنیم. همه چیز باید با اراده باشد تا درست دردهایمان را بشناسیم تا بتوانیم درباره فرهنگ خودمان و غرب هم درست قضاوت کنیم، اینطور دیگر فرهنگ دیگری را جایگزین فرهنگ خودمان نمی‌کنیم، بنابراین باید طوری فرهنگ غرب را بشناسیم که نسبت به آن قدرت داشته باشیم، همانگونه که غربی‌ها سال‌های قرون وسطی نسبت به ما شناخت پیدا کردند، رفتند و فرهنگ خود را قوی کردند، اگر اینگونه غرب را شناختیم نسبت به فرهنگ خودمان هم شناخت پیدا می‌کنیم و دیگر فرهنگ غرب را جایگزین فرهنگ خودی نمی‌کنیم.

■ به عنوان یک معلم فلسفه می‌گویم نباید غرب‌زده شویم!

در نهایت مهم‌ترین نکته‌ای که در این شناخت برای ما می‌ماند این است که می‌توانیم با شناخت صحیح، کاستی‌های خود را شناخته و به هر لحاظ که البته الان هم در حوزه‌های مختلف پیشرفت کرده‌ایم اما بیش از این می‌توانیم موفقیت کسب کرده و سربلند شویم بنابراین اگر همت کنیم دیگر خودمان و فرهنگ و هویتمان را توسط عده‌ای مصادره نمی‌کنیم. نباید از سادگی مردم سوءاستفاده کنیم و تلاش کنیم آنها را غرب‌زده کنیم. باید تحلیل‌های صحیحی از سوی نخبگانمان در جامعه از غرب داشته و بدین طریق از فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی خودمان دفاع کنیم. بنده به عنوان یک معلم فلسفه این مطالب را می‌گویم.

این نکته را به جد می‌گویم که غرب‌شناسی برخلاف اینکه عده‌ای فکر می‌کنند اشتباه است اتفاقا به درد ما می‌خورد و پادزهر غرب‌زدگی است، منتها باید مراقب باشیم خودمان غرب‌زده نشویم کما اینکه برای عده‌ای این اتفاق افتاده است.

یک چیز برای‌تان مسلم باشد. غرب‌شناسی علمی درست است و اگر صحیح صورت گیرد، موجب شناخت موقعیت امروزی ما می‌شود و ما را به اینجا می‌رساند که کجا هستیم و خودمان را می‌توانیم بشناسیم؛ با شناخت دیگری، این شناخت برای ما حاصل می‌شود پس شناخت غرب به معنای شناخت خود ماست. بنده در فرانسه هم همینطور بودم. در کشوری که در آن زندگی می‌کردم تلاش کردم بفهمم چگونه با غرب روبه‌رو شوم؛ با غیر خود یا با خود، این کار را باید در ایران هم انجام دهیم. این یک جور آگاهی برای ما می‌آورد و بنده هم منظورم از شناخت غرب به هیچ وجه این نیست که از فرق سر تا نوک پا آنگونه که فروغی گفته بود غربی شویم و خلاص! به لحاظ اخلاقی شناخت باید پیدا کنیم تا درست انتخاب کنیم.

این را سقراط می‌گوید که جهل ظلم است بنابراین عده‌ای را تصور کنید که تلاش می‌کنند دیگران را در حد نادان باقی نگه دارند، اینها به خودشان ظلم کرده‌اند. این مساله خیلی مهم است بنابراین غرب‌شناسی ترویج فرهنگ غرب نیست، آگاه‌سازی خود و دیگران است از آنچه غرب داراست، برای اینکه ما خواه‌ناخواه هر کاری بکنیم از سیاست بین‌المللی شرق و غرب و تعارضاتی که در آنها وجود دارد، در امان نیستیم و نباید هم باشیم چرا که ما هم در این دنیا زندگی می‌کنیم و همه چیز از زندگی تا فکر و رفتار و اعمالمان تحت تأثیر غرب است اما باز هم می‌گویم این بدین معنا نیست که ما غرب‌زده شویم. این شناخت می‌تواند به ما کمک کند که ما غرب را درست شناخته و دیگر دچار غرب‌زدگی نشویم.

■ چراسطحی‌اندیشی؟!

راه‌حل ما درست شناختن است و آنچه نادرست است سطحی بودن و سطحی ماندن. یک شناخت بنیادین یک نوع راه‌حل صحیح است و درست فهمیدن مسائل و طرح مساله صحیح مشکلات را حل می‌کند. ما برای همه مسائل زندگی روزانه خودمان نمی‌توانیم راه‌حل خوب پیدا کنیم بدین جهت که آن مسائل را اصلاً نمی‌توانیم درست طرح کنیم. اگر مساله را درست طرح کنیم شاید راه‌حل‌های خوبی پیدا کنیم.

■ یک مساله‌ای که درباره غرب مطرح است اینکه تفکر دوره رنسانس آن تفکر قبلی را دگرگون کرده است و هیچ رابطه‌ای با تفکر قبلی ندارد.

خب! ما هم باید در این زمینه تفکر داشته باشیم و فکور باشیم و تنها شعار ندهیم. باید با تفکر صحیح بفهمیم که تجدید حیات فرهنگی غرب به چه معناست. باید اول درست آن دوره و رنسانس را بشناسیم برخی همینطوری می‌گویند براساس لفظ، رنسانس بد است در حالی که نمی‌دانند رنسانس چی هست!! باید درست رنسانس و تجدید حیات فرهنگی غرب را فهم کنیم. بنابراین هیچ زمان خواب‌آلود و شعارزده صحبت نکنیم. از آن سو غرب‌زده هم نباشیم چون با این گرایش به جایی نمی‌رسیم. باید موقعیت خودمان را درست بشناسیم اگرنه موقعیت به ما تحمیل می‌شود، با وجود اینکه خیلی چیزها را خودمان انتخاب نمی‌کنیم از جمله اینکه کجا به دنیا بیاییم، لهجه‌مان چه باشد یا پدر و مادرمان، ولی موضعمان را خودمان انتخاب می‌کنیم. برای انتخاب موضع باید اول موقعیت خودمان را خوب بشناسیم. ما در برهه‌ای از تاریخ زندگی می‌کنیم که باید واقعیت جوامع را در آن بشناسیم. ما اگر می‌خواهیم با مظالم غرب مبارزه کنیم نمی‌توانیم نشناخته همینطور در هوا و «دن‌کیشوت‌وار» رفتار کنیم، اینها رفتارهایی بچگانه است. از آن سمت هم، غرب‌زده رفتار کردن و شعارها و الفاظ غربی دادن ناصحیح است. باید تاریخ را بشناسیم تاریخ با شناختن نشان می‌دهد و روی هوا ایجاد نشده، هر چه رخ داده علتی داشته است، استثنا هم وجود ندارد. می‌توانیم علت همه مسائل را پیدا کنیم.

بنابراین ایرانی ماندن به تعبیری راحت نیست. اینکه مدام بگوییم می‌خواهیم سر تا پا ایرانی باشیم یا اینکه سر تا پا غربی شویم، این درست نیست. ما باید حماسه خود را حفظ کرده باشیم، باید اینها را مدنظر داشته باشیم همینطوری هم نمی‌توانیم بگوییم ایرانی مانده‌ایم، این حرف‌ها بچگانه است. ایرانی ماندن اراده می‌خواهد. بنده چندین بار در مقالاتم نوشته‌ام کسی ایرانی است که اراده می‌کند ایرانی باقی بماند یعنی آگاهانه تصمیم بگیرد چه طوری می‌تواند ایرانی باقی بماند، این فرد کسی است که به خود ظلم نمی‌کند و با جهل مقابله می‌کند، این ایرانی داناست، بنابراین در هر صورت ما وظایفی داریم که شعار نیست. این وظایف برای شناختن باید عمق داشته باشد و جنبه‌های مختلفی را دربر می‌گیرد.

تمام ریشه‌های رنسانس قبل از دوره تجدید حیات فرهنگی وجود داشت خیلی قبل‌تر از آن و مساله اصلاحات دینی مطرح می‌شد. در خیلی جاها اینها وجود داشت، در قرن سیزدهم هم که چاپ و باروت و اینها بوده با این حال می‌توانیم بگوییم این سری عوامل خیلی زیاد بوده مثل شهرسازی و ایجاد طبقات خاص مردم از حاشیه‌نشین گرفته تا بورژوازی و برج‌نشین، در مجموع وضعیتی پیش آمد که شهر دست طبقه خاصی از مردم قرار گرفت و وضعیت صددرصد نسبت به قبل تغییر کرد. مجموع این عوامل قرن ۲۱ را به قرن الکترونیک تبدیل کرد و زندگی و شرایط آن را تغییر داد. در هر صورت باید اینها را شناخت و شناسایی کرد، نمی‌توان آنها را نفی کرد بنابراین با مخالفت با رنسانس بدون شناسایی، مخالف هستم. شناختن خیلی مثبت است. البته نباید توهم شناختن داشته باشیم مثل عده‌ای که مدام می‌آیند و حرف می‌زنند که انگار غرب را خیلی می‌شناسند و بشدت هم غرب‌زده شده‌اند و تنها راه را غرب‌زده شدن می‌دانند! نه، شناخت باید واقعی باشد! وقتی چیزی را درست شناختیم می‌فهمیم یک قدرتی داریم و این قدرت حتی خارق‌العاده می‌شود چرا که می‌دانیم با چه روبه‌رو هستیم و باید چکار کنیم، دیگر زیر یوغ ابرقدرت‌ها و قدرت‌ها و فرهنگ‌ها نمی‌رویم و فرهنگمان را هم نمی‌فروشیم.

خیلی از روشنفکران در ایران تصور می‌کنند تماس‌شان با غرب باعث شده به لحاظ روانی و علمی با دیگران متفاوت شوند در صورتی که اینطور نیست، همه قدرت تفکر و تصور مسائل را دارند، اینها به خاطر این توهم‌شان در مواجهه با غرب احساس ناامیدی و شکست هم می‌کنند. یک فیلسوف در جامعه ایران شهامت تفکر باید داشته باشد و نقاط ضعف را مطرح کند در حالی که دغدغه جامعه خود را نیز دارد. باید جامعه خود را حفظ کرد نه اینکه تصور کنیم هرچه هست در غرب و برای غرب است و ما چیزی از خود نداریم. بنده خودم با فلسفه افرادی چون اسپینوزا و دیگران موافق نیستم اما تعقل را نفی نمی‌کنم، باید در مسیر تفکر پیش به سوی آینده حرکت کنیم. تنها از این مسیر آینده خود را می‌توانیم بسازیم، باید فرهنگ خودمان را در این مسیر بهتر بشناسیم و از منابع و هویتمان محافظت کنیم و این بدون تفکر و تأمل صورت نمی‌گیرد.

■ فلسفه، فرهنگ و تمدن ما را حفظ می‌کند

پیش‌تر نیز اشاره کرده‌ام فلسفه می‌تواند جوانان ما را به استقلال و قدرت فکری برساند و شخصیت علمی آنها را تضمین کند آن هم البته تنها در رشته اختصاصی فلسفه صورت نمی‌گیرد بلکه جوانان در هر رشته‌ای که هستند و هر شغلی در جامعه دارند، می‌توانند به این امر برسند. ابن‌سینا یک طبیب بود ولی به دلیل قدرت تفکر فیلسوف بود در حالی که فلسفه او کمتر از طب او مورد توجه قرار می‌گیرد در صورتی که این نحوه تفکر و نظریات فلسفی او است که امروز به کار ما می‌آید. در هر صورت این بحث‌ها دامنه‌دار است و شاید بهتر باشد وزارت علوم این مسائل را مطرح کند و با مدرسان فلسفه هم نشست و میزگرد برگزار کند. در نهایت تسلیم نشدن در برابر فرهنگ غرب مستلزم شناختن آن است. ما تنها زمانی می‌توانیم با این فرهنگ مقابله کنیم که آن را خوب شناخته باشیم و از روی هوا صحبت نکنیم و در نهایت علم و دانش هر کشور می‌تواند خود را به فرهنگ و تمدن بزرگی تبدیل کند که دیگر آرزوی داشته‌های غرب را عده‌ای نداشته باشند و الان بسیاری از این پیشرفت‌ها را در این حوزه در ایران می‌بینیم.

اقتصاد مقاومتی
راه سعادت اقتصاد ایران

دکتر مهدی تقوی*: یک - اقتصاد مقاومتی که گفته می‌شود می‌توان با تکیه بر آن، راه پیشرفت و توسعه کشور را پیمود، چیست؟ پاسخ به این سوال مهم و کلیدی می‌تواند همه کسانی را که به نوعی سردرگم هستند و به گمان خود در حال اجرا کردن این سیاست اقتصادی‌اند، به مسیر اصلی بازگرداند نکته مهم و اساسی این است که نباید در بند اسامی و نام‌ها باشیم. اکنون می‌بینیم در برخی اظهارنظرها و نوشته‌ها «اقتصاد مقاومتی» را می‌ستایند در صورتی که لااقل به همان اندازه، به درونمایه آن نمی‌پردازند.

با این شرایط باید بررسی کنیم و ببینیم درونمایه اقتصاد مقاومتی چیست و قرار است چگونه ما را به هدف برساند و اصلا چه هدفی را دنبال می‌کند.

مهم‌ترین نکته این است که بدانیم اقتصاد مقاومتی یک برنامه توسعه‌ای میان‌مدت و بلندمدت است و قرار نیست در کوتاه‌مدت اهداف گسترده‌ای را به دست دهد.

کشور ما به برنامه‌ریزی توسعه‌ای بلندمدت نیاز دارد و در این موضوع با فقر شدید روبه‌رو بوده‌ایم. یعنی بسیاری از برنامه‌های ما بیش از حد، موقت و غیرقطعی بوده‌اند و اهداف کوتاه‌مدتی را پیش چشم داشتند. حالا سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی که از سوی رهبر معظم انقلاب مطرح، کارشناسی و تصویب شد، یک افق بلندمدتی را گسترده است که بسیار هم برای کشور مهم و لازم‌الاجراست.

ناگفته نماند برای ما که اصولا به برنامه‌های بلندمدت عادت نداریم و در این زمینه ضعیف عمل می‌کنیم، هر لحظه این امکان وجود دارد که این برنامه بلندمدت نیز نیمه‌کاره رها یا از مسیر منحرف شود. برای همین باید مراقب بسیاری از حرکت‌ها و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بود.

از سوی دیگر باید مراقب بود مسائلی نظیر فساد اقتصادی، اجرای این برنامه‌ها را با دشواری یا مشکل روبه‌رو نکند که این امر هم بر گردن دولت و دیگر نهادهای نظارتی است. بهتر است اینطور بگوییم که همه دستگاه‌های اقتصادی و غیراقتصادی در اجرایی شدن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مسؤولیت دارند و نباید از این مسؤولیت شانه خالی کنند.

دو - با بیان این مقدمه به اصل موضوع یعنی تعریف اقتصاد مقاومتی بازمی‌گردیم. اقتصاد مقاومتی دارای تعاریف متعددی است اما همه این تعاریف در مقاومت در برابر فشارهای خارجی و داخلی در عرصه اقتصاد کشور خلاصه می‌شود. این موضوع، همچنین مقاومت در برابر سیاست‌های غلط اقتصادی و فشارهای کشورهای غربی و متحدان‌شان را نیز در بر می‌گیرد.

برای رسیدن به این مقاومت در قدم اول با توجه به درآمدهای ارزی که در کشور وجود دارد، باید سرمایه‌گذاری‌ها و زیرساخت‌های لازم در اقتصاد کشور را افزایش داد یعنی با افزایش کارخانه‌ها و بنگاه‌های تولیدی در راستای تحقق منویات رهبر بزرگوار انقلاب گام ثمربخشی برداشت. همچنین در بحث واردات باید نسبت به قبل محتاط‌تر و دقیق‌تر عمل کرد به طوری که اگر توان تولید کالایی در داخل کشور وجود دارد، اجازه ترخیص مشابه آن کالا از گمرک داده نشود.

در کشور ما برای جایگزینی واردات و افزایش صادرات تاکنون استراتژی محکم و مشخصی اجرا نشده است و وابستگی به نفت ما را از اجرای این برنامه عقب انداخته است.

سه - یکی از دلایل مطرح شدن اقتصاد مقاومتی و نیاز قطعی کشور به اجرای چنین سیاستی، چالش‌ها و ضعف‌هایی است که کشور با آن مواجه شده است، بویژه کاهش نرخ اشتغال و تولید. نباید با استفاده مداوم از درآمدهای نفتی تنها به‌عنوان کشور مصرف‌کننده شناخته شویم. برخی تصمیم‌های اشتباه اقتصادی دولت قبل باعث شد اقتصاد ایران با رکود تورمی روبه‌رو شود. برای خروج از رکود تورمی نیز باید به درونزایی و برونگرایی روی آوریم. بی‌شک یک کشور اگر دارای اقتصادی درونگرا باشد، صرفا باید اتکا به تولید داخل داشته و تأمین تمام امور را براساس همین اقتصاد پیش برد و این را «اقتصاد بسته» می‌نامند اما اقتصادهای برونگرا مانند چین و ژاپن که تولیدات آنها بسیار گسترده است و رو به افزایش شدید صادرات برای سایر کشورها می‌آورند، بیشتر وارد عرصه بین‌المللی می‌شوند و در پی آن تقسیم کار روی می‌دهد. از این رو براساس نظریه‌های اقتصادی هر کشوری باید کالاهایی را تولید کند که در تولید آنها دارای مزیت مطلق یا نسبی باشد و مقصود از مزیت مطلق این است که کالای نهایی با نیروی کار کمتر از کشورهای دیگر تولید شود و در تولید آن تخصص وجود داشته باشد؛ چنانکه تولید فرش ایرانی یک نمونه آن است. باید دقت داشت نظریه‌های اقتصادی غالب بر این امر استوار است که هر کشوری باید کالاهایی را تولید کند که در آن دارای تخصص است و در سایر امور مورد نیاز خود، به فناوری‌های تولیدی آن دست یابد یا آن را از سایر کشورها وارد کند. در واقع مقام معظم رهبری نیز بر این امر تاکید داشته‌اند که باید با توجه به اقتصاد درون‌زا به تولید کالاهای تخصصی اقدام کنیم و پس از آن با توجه به اقتصاد برونگرا به صادرات کالاهای خود در عرصه بین‌المللی بپردازیم.

اقتصاد مقاومتی، اگر به نیکی و با کم‌ترین کاستی‌ها از سوی دولت و همه دستگاه‌های نظام اجرا شود، می‌تواند راه رسیدن به سعادت اقتصاد ایران باشد ان‌شاءالله.

* اقتصاددان و استاد دانشگاه

صف تحقیر و قیمت پیت روغن

تاکسی امروز ادامه از صفحه اول

حالا برای چی تاکسی سوار شده بود، خدا می‌داند!

راننده هم گفت: والا ۴-۳ روزه فقط تو صف بنزینم. هیچ احساس خوبی هم ندارم. تحقیر که نه ولی آدم احساس بدی بهش دست می‌ده.

روحانی همینطور داشت حرف می‌زد. در بین حرف‌ها انگار که کنایه‌ای به کسی زده باشد، گفت: «این بی‌ادبی‌ها، زبان زشت و تند حرف زدن از کجا آمده؟». یاد تیتر «بروید به جهنم» افتادم. حرف تو حرف داخل تاکسی بالا گرفته بود سر قضیه «صف تحقیر». آن دیگری که انگار دفتردستکی هم برای خودش داشت و ژست و قیافه‌اش به بقیه نمی‌خورد، گفت: «اصلا وقتی یه کشوری صرفا مصرف‌کننده باشه این بلاها سرش میاد. اصلا شما برو سبد کالا رو تو ترکیه پخش کن. اگه کسی اومد بگیره. دولت هم بی‌برنامگی می‌کنه و الکی توقع ایجاد می‌کنه. این همه هم مشکل پیش میاد. راننده گفت: عزیز من! اینا واردات زیاد کردن، انبارها پره. الان باز هم پر بشه سبد کالا میدن، حالا نیگا کن». منظورش این بود که معیار توزیع سبد کالا نیاز مردم نیست، اضافه کالای انبارهاست. بحث تخصصی درباره «سبد کالا» و «صف تحقیر» ادامه داشت و روحانی همینطور حرف می‌زد.

جایی از صحبت‌هایش حرف جالبی زد؛ گفت: دولتی می‌خواهیم که قیمت‌ها از ۸ صبح تا ۹ صبح فرق نکند. راننده گفت: «خدا پدرت رو بیامرزه. ماهم همینو می‌گیم» مدیر رستوران معروف گفت: «خب! حتما می‌خواد مغازه‌ها رو هم ما درست کنیم. پیت روغن رو امروز می‌گیرم ۶۰، فردا میگه ۶۵، هر ساعت یه قیمت دارن. بهشون هم میگی، میگن دولت بخشنامه کرده. تهش هم درمیاد که بله آقا، قانون دولته اصلا. یا حرف که کار درست نمی‌شه».

حرف‌های روحانی تمام شد، در میان بحث‌های تاکسی. خیلی از جاها صدای رئیس‌جمهور نمی‌رسید البته ولی بعد از اینکه مجری رادیو گفت صحبت‌های رئیس‌جمهور تمام شده راننده گفت: راستی! درباره بنزین چیزی نگفت؟!

آگهی مناقصه خرید تجهیزات و طراحی مجدد شبکه ۹۴/۱

وزارت راه و شهرسازی

وزارت راه و شهرسازی در نظر دارد خرید تجهیزات و پروژه بازنگری و طراحی مجدد شبکه و زیرساخت خود را از طریق مناقصه به شرح ذیل واگذار نماید:

الف) شرایط عمومی شرکت کنندگان در مناقصه:

۱- دارا بودن مجوز شورای عالی انفورماتیک حداقل رتبه ۴ در زمینه شبکه داده‌های رایانه‌ای
۲- دارا بودن حداقل سه سال سابقه همکاری با سازمان‌ها، دستگاه‌های دولتی، نهادها و موسسات عمومی.
۳- دارا بودن کد اقتصادی و شناسه ملی و گواهی ارزش افزوده از وزارت امور اقتصادی و دارایی
۴- ارائه دعوت نامه کتبی مبنی بر اصالت originality کالا از سوی پیمانکار.

ب) موضوع مناقصه:

۱) لایه تجهیزات san storage ،server (۲ لایه‌های Access ،firewall (۳ لایه Distribution.core
۴) لایه UTM (۵ لایه سیستم عامل san storage

شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند در یک یا تمامی موارد فوق در مناقصه شرکت نموده و پیشنهاد قیمت ارائه نمایند.

مطابق ماده ۲۴ آیین نامه معاملات دولتی دستگاه مناقصه گذار مجاز است پیشنهاد قیمت هر یک از مناقصه گران در مورد اقلام و تجهیزات مندرج در ردیف‌های مذکور را که مناسب تر باشد انتخاب و قرارداد منعقد نمایند.

ج) تضمین شرکت در مناقصه

شرکت کنندگان در مناقصه می‌بایست برای کل اقلام مبلغ ۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان سپرده شرکت در مناقصه به حساب جاری ۸۸۷۷۴۳۶۳۸۰۰۷۳ بانک مسکن شعبه راه و شهرسازی کد ۴۵۲۹ به نام اداره کل خدمات اداری و پشتیبانی واریز و یا تهیه ضمانت نامه بانکی نوع طرح‌های عمرانی (مدت اعتبار آن حداقل سه ماه از تاریخ پیشنهاد) همراه با کلیه مدارک درخواستی ارائه نمایند).

* تبصره: سپرده شرکت در مناقصه برای مناقصه گرانی که برای تعدادی از اقلام (کمتر از پنج قلم کالا) پیشنهاد و قیمت ارائه می‌نمایند مبلغ ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد).

د) مهلت و محل دریافت اوراق مناقصه:

واجدین شرایط با در دست داشتن معرفی نامه رسمی از تاریخ درج آگهی به مدت یک هفته جهت خرید اوراق مناقصه به نشانی: میدان آرژانتین- بلوار آفریقا- ساختمان مرکزی وزارت راه و شهرسازی- طبقه اول شمالی- امور قراردادها یا به سایت http://iets.mporg.ir مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۸۲۲۴۳۷۱۹ و ۸۲۲۴۳۶۹۲ تماس حاصل نمایند.

ه) تذاکرات:

۱- وزارت راه و شهرسازی در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.
۲- هزینه درج آگهی در روزنامه‌ها بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.

م الف ۶۹۹

اداره کل خدمات اداری و پشتیبانی وزارت راه و شهرسازی

انتشارات تعالی اندیشه منتشر کرد:

سه‌گانهٔ بحران اقتصادی امریکا

کجای کار اشتباه بود؟
مروری برزمینه‌های شکل‌گیری بحران اقتصادی امریکا

اقتصاد لرزان
مروری بر واقعیت‌های بحران اقتصادی امریکا

سایه رکود
مروری بر تاثیرات جهانی بحران اقتصادی امریکا

بحران اقتصادی آمریکا که از یک دهه پیش آغاز شده و در سال دو هزار و ده میلادی به اوج خود رسید نمایش بیرونی تزلزلی بود که در بنیان‌های اقتصادی غرب از ابتدای شکل‌گیری و تکوین آن وجود داشت. تزلزلی که همه اندیشمندان اقتصاددان جهان را در طول قرن حاضر نگران خود کرده بود و همیشه این انتظار وجود داشت که یک تکانه مهم بتواند طومار این اقتصاد کج‌بنیاد را در هم پیچیده و شاکله سرمایه‌داری را به فروپاشی نزدیک کند. مجموعه مقالات حاضر از رسانه‌های مهم غرب در دوره اوج بحران ترجمه شده و علاوه بر نکاتی که مربوط به وقایع دوره مذکور است حاوی اطلاعات مهمی درخصوص نحوه برخورد و رویارویی غرب و ساختارهای اقتصادی آن با این بحران و تلاش‌های یکپارچه غرب برای به تعویق انداختن فروپاشی می‌باشد...

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳ | قیمت هر کتاب: ۱۵۰۰۰ تومان | نشانی مرکز پخش: تهران - بلوار کشاورز - خیابان ۱۶ آذر - نبش کوچهٔ شهید طاهری - پلاک ۶۲ - واحد ۶ | تلفن: ۸۸۹۹۶۴۳۲ | نمابر: ۸۸۹۹۶۴۳۱ | خرید اینترنتی و پستی: www.tapbook.ir

ثامن
ایده پرداز، طراح و مجری
تجهیزات نوین نمازخانه
دکوراسیون سنتی

شرکت ثامن
تجهیزات نوین نمازخانه
دکوراسیون سنتی
تهران، خیابان ۱۷ شهریور، خیابان کیامنش
پلاک ۱۲، واحد ۲، حاج محمد علی
تلفکس: ۳۳۰۰۹۷۹۸ / ۳۳۰۲۴۶۴۶
۳۳۷۰۰۱۰۱ / ۳۳۰۱۶۵۸۵
همراه: ۰۹۱۲ ۲۰۸ ۵۵ ۲۵ - ۳۵

شرکة ثامن
لتجهیز المصلی و المساجد
بالدیکورات التقلیدیة
ایران، طهران، شارع ۱۷ شهریور،
شارع کیامنش، بنایة رقم ۱۲، رقم ۲
تلفکس: ۳۳۰۰۹۷۹۸ / ۳۳۰۲۴۶۴۶ ۲۱ ۹۸+
۳۳۷۰۰۱۰۱ ۲۱ ۹۸+ / ۳۳۰۱۶۵۸۵ ۲۱ ۹۸+
جوال: ۳۵ - ۲۵ ۵۵ ۲۰۸ ۹۱۲ ۹۸+
حاج محمد علی

Saman
Advertising Company.
Modern equipments for prayer's room
Traditional decoration.
Unit 2.No.12.Kiamanesh St. .17 Shahrivar St.
Tehran . Iran Tel / Fax: +98 21 3300 97 98
3302 46 46 - 33 700 101 - 330 16 585
Mobile: +98 912 208 5525 & 35
Haaj mohammad ali

WWW.SAMENART.COM
INFO@SAMENART.COM

دایرة المعارف مصور تاریخ زندگی
امام خمینی (ره)

انتشارات سایان
[ناشر برگزیده سال ۹۳]
نویسنده: جعفر شیرعلی‌نیا
۵۲۴ صفحه رنگی.
جلد گالینگور.
۶۳۰۰۰ تومان.

روایتی از فراز و فرود ۸۶ سال زندگی ایشان | از روز تولد در اول مهر ۱۲۸۱ تا ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ | بیش از ۱۲۰۰ تصویر از متن، حاشیه و زمانه‌ی سیدروح الله خمینی | بررسی سیر جامع و کامل زندگی امام خمینی(ره) در قبل و بعد از انقلاب و بسیاری از وقایع تاریخی زندگی ایشان از حوادث مشروطه، جنگ‌های جهانی، حضور ایشان در حوزه علمیه، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی.

خرید از سایت کتاب متن به آدرس: matnbook.ir
خرید تلفنی : ۹۱۲۴۷۱۵۶۲۶
شما می‌توانید سایر محصولات انتشارات سایان
را در «فروشگاه اینترنتی کتاب متن» مشاهده کنید.

«لذت کتاب‌خوانی در مؤسسه کتاب متن»